



# ترجمه و دیدگاه‌های پسا - استعماری

سوزان باسنت - هریش تریودی  
ماریا تیماکزکو - تجاسوینی نیرانجانا

احمد شیرخانی

# ترجمه و دیدگاه‌های پسا - استعماری

سوزان باسنت - هریش تریودی  
ماریا تیماکزکو - تجاسوینی نیرانجانا

مترجم  
احمد شیرخانی

دبیر مجموعه  
دکتر فرزانه فرحزاد



نشر قطره

ترجمه و دیدگاه‌های پسا - استعماری

سوزان باسنت - هریش تریودی

ماریا تیماکز کو - تجاسوینی نیرانجانا

مترجم: احمد شیرخانی

دبیر مجموعه: دکتر فرزانه فرحزاد

ویراستار: مهدی محمدی‌نیا

صفحه آرا: ژیلای پی‌سخن

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ: دیجیتال نقش

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

بها: ۱۳۰۰۰ تومان

---

استفاده از این اثر، به هر شکلی،

بدون اجازه ممنوع است.

---

خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخ‌لر (ششم)، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۳-۵۱-۳۳ ۸۸۹۷

دورنگار: ۸۹۹۶ ۸۸۹۶

کد پستی: ۱۴۱۵۶۷۳۳۱۳

---

[www.nashreghatreh.com](http://www.nashreghatreh.com)

[info@nashreghatreh.com](mailto:info@nashreghatreh.com)

[nashr.ghatreh@yahoo.com](mailto:nashr.ghatreh@yahoo.com)

Printed in the Islamic Republic of Iran

## فهرست

|                                                     |     |
|-----------------------------------------------------|-----|
| معرفی مجموعه                                        | ۷   |
| مقدمه‌ی مترجم                                       | ۹   |
| مستعمرات، آدم‌خواران و زبان‌های بومی                | ۱۱  |
| نوشتار پسا - استعمار و ترجمه‌ی ادبی                 | ۳۹  |
| آزاد کردن کالیبان‌ها                                | ۷۳  |
| بازنمایی متون و فرهنگ‌ها: مطالعات ترجمه و قوم‌نگاری | ۱۰۵ |

## معرفی مجموعه

کار ترجمه سابقه‌ای بسیار طولانی دارد، اما مطالعات ترجمه رشته‌ی دانشگاهی نسبتاً نوپایی است که به بررسی متن ترجمه، فرایند ترجمه و نقش ترجمه در جوامع و در دوره‌های تاریخی مختلف می‌پردازد. این رشته با رشته‌های دیگری چون زبان‌شناسی، روان‌شناسی زبان، جامعه‌شناسی، تاریخ‌نگاری و مطالعات فرهنگی تعامل دارد. یعنی هم ابزارهایی را برای تحقیق در این رشته‌ها فراهم می‌کند و هم خود از یافته‌ها و ابزارهای پژوهشی آن‌ها استفاده می‌کند و راه را برای تحقیقات میان‌رشته‌ای هموار می‌کند.

تأسیس و گسترش مطالعات ترجمه در مقاطع مختلف دانشگاهی، انگیزه‌ای فراهم آورد برای معرفی مطالب اصلی این رشته به پژوهشگران، مترجمان، مدرسان ترجمه، ترجمه‌آموزان و همه‌ی کسانی که با جنبه‌های نظری و عملی ترجمه سروکار دارند و به آن‌ها می‌پردازند. کتاب حاضر جزئی از مجموعه‌ی بزرگ «آشنایی با مطالعات ترجمه» است که به کمک متخصصان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان مطالعات ترجمه در ایران و به همت نشر قطره به این منظور تهیه شده است.

دبیر مجموعه

فرزانه فرح‌زاد

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

## مقدمه‌ی مترجم

یکی از جلوه‌های پویایی ترجمه حیات ققنوس‌وار آن در دوره‌های مختلف تاریخ بشری است. دوره‌ی پسا - استعمار و دیدگاه‌های نظری مرتبط با آن بستر جدیدی برای تحول در مفهوم و عمل ترجمه فراهم آورده است و کتاب حاضر در پی آشکار ساختن جنبه‌های مهم آن است. فصل اول این کتاب، که ترجمه‌ی مقدمه‌ی ترجمه‌ی پسا - استعمار است، افق چنین جنبه‌هایی را در مقابل خواننده قرار می‌دهد. فصل دوم مقاله‌ی سودمند ماریا تیماکزکو است که در آن به بررسی شباهت‌های ساختاری نوشتار پسا - استعمار و ترجمه‌ی ادبی می‌پردازد. تیماکزکو هریک از این مقوله‌ها را استعاره‌ای برای درک بهتر مقوله‌ی دیگر قرار می‌دهد. بررسی این شباهت‌ها به تبیین ارتباط بین این دو مقوله می‌انجامد. فصل سوم به بررسی تجاسوینی نیرانجانا از رابطه‌ی بین قوم‌نگاری و ترجمه می‌پردازد. ارتباط این فصل با موضوع اصلی کتاب حاضر، ترجمه و دیدگاه‌های پسا - استعماری، زمانی آشکار می‌شود که به جایگاه مفهوم ترجمه در رشته‌های مردم‌شناسی و قوم‌نگاری و هم‌دستی آنان با قدرت‌های استعماری معاصرشان پی ببریم.

نویسنده‌ی این مقاله احتمال شکل‌گیری هم‌دستی مشابهی بین رشته مطالعات ترجمه و قدرت‌های نو - استعماری حاکم را در لفافه گوشزد می‌کند. ترجمه‌ی پسا - استعمار برای شکستن الگوهای دیرپای قدرت استعماری، که نماد آن سیطره‌ی متن اصلی است، باید تعریف جدیدی از خود ارائه دهد. تعریفی که اساس آن مقاومت، پویایی و نوآوری است. از این رو فصل پایانی به معرفی نظریه‌ی آدم‌خواری هارولدودی کامپوس می‌پردازد. چالشی که دی کامپوس با به‌کارگیری استعاره‌ی آدم‌خواری خلق می‌کند تنها محدود به مفهوم جدید ترجمه نیست، بلکه نوواژه‌های خلاقانه‌ی وی فرایند معادل‌گزینی را نیز دشوار می‌سازد. نشر پرتکلف نگارنده‌ی مقاله، السه ریبرو پیرس ویرا، نیز چالش‌های ترجمه‌ی این مقاله را دوچندان کرده است. آن‌چه این مقاله به ما می‌آموزد این است که از خاکستر ققنوس ترجمه، در دوره‌ی پسا - استعمار برزیل، آدم‌خوار برمی‌خیزد. در پایان لازم می‌دانم که از زحمات خانم دکتر فرحزاد در به منزل رسیدن این ترجمه سپاسگزاری کنم. تیزبینی ایشان در انتخاب مقالات، اعتماد ایشان به این جانب، و حمایت‌های بی‌دریغ ایشان در ویرایش هر چه بهتر ترجمه‌ی حاضر در پرده‌ی خضوع و مهربانی پنهان مانده است.

احمد شیرخانی

استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان

## مستعمرات، آدم‌خواران و زبان‌های بومی

سوزان باسنت و هریش تریودی

۱

روزگاری در قرن شانزدهم جایی که امروزه برزیل نام دارد، اعضای قبیله‌ی توپی‌نامبا<sup>۱</sup> یک کشیش کاتولیک را خوردند. این عمل در پرتغال و اسپانیا وحشت فراوانی ایجاد کرد، عملی که برای هر مسیحی اروپایی فعل حرام بزرگی محسوب می‌شد. واژه‌ی «آدم‌خوار» با آمریکایی‌ها، که در اصل به گروهی از مردم کارائیب<sup>۲</sup> در جزایر آنتیل<sup>۳</sup> اطلاق می‌شود، همراه شد. این واژه وارد زبان انگلیسی شد و در سال ۱۷۹۶ میلادی به معنای «کسی که گوشت انسان می‌خورد» در فرهنگ لغت آکسفورد<sup>۴</sup> ثبت و از آن پس وارد

---

1. tupinamba

2. caribs

3. antilles

4. Oxford English Dictionary

زبان‌های اروپایی شد. نام یک قبیله با نام قبایل وحشی‌ای که گوشت انسان می‌خوردند، در یک واژه ترکیب شد.

برای مردم قبیله‌ی تویی نامبا خوردن گوشت کشیش، عملی غیرمنطقی نبود و حتی می‌توان گفت که این عمل نشانه‌ی احترام بود. با این همه انسان گوشت فردی را که به او احترام می‌گذارد، نمی‌خورد. در بعضی جوامع خوردن گوشت دشمنان قوی یا پیران ارجمند، وسیله‌ای برای به دست آوردن قدرتی بوده است که آن‌ها در زندگی به کار می‌گرفتند. چنین کاری در اروپا ناشناخته نبود، کافی است که فقط به پورشیا<sup>۱</sup> فکر کنیم، بیه‌وزن نجیب‌زاده‌ی رومی که خاکستر شوهرش را در جام شرابی ریخت و نوشید و مدعی بود که جسمش مناسب‌ترین آرامگاه برای شوهرش است. البته شکی نیست که برای قبیله‌ی تویی نامبا که این کشیش به دنبال تغییر کیش آن‌ها بود، اساس مسیحیت بر نمادی چون خوردن گوشت و خون مسیح «منجی بشریت» استوار بود. این‌که بگوییم خوردن نمادین نان و شراب در مراسم عشای ربانی با خوردن واقعی گوشت پدر ساردین‌ها<sup>۲</sup> تفاوت دارد، اعتراضی بیهوده است. درک قبیله‌ی تویی نامبا از خوردن و عمل حرام از منابع دیگری ناشی می‌شد.

اکنون ممکن است پرسیم این داستان چه ارتباطی به ترجمه دارد؟ در واقع بسیار مرتبط است، اما قبل از این‌که به‌طور جامع‌تر به این سؤال بپردازیم، لازم است مقدماتی را مطرح کنیم. اولاً، به‌طور کامل واضح است که ترجمه در خلأ رخ نمی‌دهد بلکه به تدریج و در ارتباط با سایر عوامل<sup>۳</sup> روی می‌دهد. ترجمه فعالیتی جدا نیست بلکه بخشی از یک فرایند دایمی انتقال بین - فرهنگی است. علاوه بر این ترجمه فعالیتی است که بسیار

1. porcia

2. Father Sardinha

3. continuum

دستخوش تغییر می‌شود و در فرایند انتقال از مرزهای زبان‌شناختی و فرهنگی، همه‌ی مراحل را در برمی‌گیرد. ترجمه فعالیت بی‌طرفانه و شفاف نیست، بلکه هر مرحله‌ی آن دارای اهمیت فراوانی است و به ندرت رابطه‌ای برابر را بین متون، نویسندگان و یا نظام‌ها برقرار می‌کند.

پژوهش‌های اخیر در زمینه‌ی مطالعات ترجمه این تصور دیرپا را به چالش کشیده است که ترجمه نسبت به متن اصلی مرتبه‌ی پایین‌تری دارد. از این جهت، تحقیقات مطالعات ترجمه با زیر سؤال بردن سیاست مقدس سازی متن اصلی و با قاطعانه دوری جستن از نظریاتی که بر شهرت جهانی آثار ادبی صحنه می‌گذارند، مسیری مشابه را در خصوص جنبش‌های میانه‌رو در مطالعات ادبی و فرهنگی دنبال کرده است. این مسیر به معنای انکار این امر نیست که بعضی متون ارزش بیش‌تری نسبت به سایر متون دارند، بلکه صرفاً به معنای تأیید این نکته است که نظام‌های ارزشیابی از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر تغییر می‌کنند و مستمر نیستند.

ارتباط بین متنی که «اصلی» یا «منبع» نامیده می‌شود و ترجمه‌ی آن متن اصلی، مشکلی است فراوری هر فردی که در حوزه‌ی مطالعات ترجمه فعالیت می‌کند. زمانی بود که متن اصلی عملاً برتر از ترجمه‌ی آن محسوب می‌شد، و متن ترجمه، گرچه به زبان دیگر بود، تا سطح رونوشت تنزل می‌یافت. اما مطالعه‌ی تاریخ ترجمه نشان داده است که در نظر گرفتن جایگاهی رفیع برای متن اصلی پدیده‌ای نسبتاً جدید است. این تصور برای نویسندگان و مترجمان قرون وسطی دردسرساز نبود. این تصور در نتیجه‌ی اختراع دستگاه چاپ و گسترش سواد ایجاد شد و با ظهور این ایده که مؤلف «مالک» متن خود است، ارتباط دارد. زیرا اگر ناشر یا مؤلف صاحب متن باشد در این صورت مترجم چه حقوقی دارد؟ این تضاد در تفکر ما، درباره‌ی ارتباط بین ترجمه و به اصطلاح متن اصلی، ریشه دوانده است. هم‌چنین این نکته حایز اهمیت است که پیدایش مفهوم «متن اصلی» با

آغاز گسترش استعمار هم‌زمان است - دوره‌ای که اروپا برای تصرف قلمروهای جدید به خارج از مرزهای خود پای گذاشت. امروزه، به‌طور فزاینده‌ای، چنین تصویری از قدرت متن اصلی، مورد تردید قرار گرفته است و این چالش از قلمرو ترسناک آدم‌خواران، از آن سوی پرچین‌های امن و دیوار آجری زیبای اروپا سرچشمه می‌گیرد.

اُکتاویو پاز<sup>۱</sup> ادعا می‌کند ترجمه ابزار مهمی است که ما برای فهم دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم، در اختیار داریم. او می‌گوید دنیا به شکل توده‌ای از متون به ما نشان داده می‌شود که دائماً در حال رشد است:

هر متن با متنی که قبل از آن قرار دارد، کمی متفاوت است: ترجمه‌ای از ترجمه‌ی ترجمه‌ای. هر متن منحصربه‌فرد است، اما درعین حال ترجمه‌ی متنی دیگر است. هیچ متنی نمی‌تواند کاملاً اصلی باشد، چرا که ماهیت خود زبان تقریباً نوعی ترجمه است - ابتدا ترجمه‌ای از دنیای غیرکلامی، و بعد، این‌که هر نشانه و هر عبارت ترجمه‌ای از نشانه‌ای دیگر و عبارتی دیگر است (۱۵۴: ۱۹۹۲ PZ).

این نگرشی افراطی نسبت به ترجمه است، که ترجمه را نه فعالیتی جانبی بلکه فعالیتی اصلی می‌داند و با نظریات مشابهی که نویسندگانی هم‌چون گابریل گارسیا مارکز<sup>۲</sup>، جورج لوئیس بورخس<sup>۳</sup> و کارلوس فوننتس<sup>۴</sup> داده‌اند، سازگار است. در واقع، فوننتس تا آن‌جا پیش می‌رود که می‌گوید: «اصل بودن یک بیماری است»، بیماری مدرنیته‌ای که دایم آرزو دارد خودش را چیزی جدید جلوه دهد (فوننتس ۱۹۹۰: ۷۰). به درستی می‌توان گفت که تعداد زیادی از نویسندگان آمریکای لاتین امروزه عقیده‌ی

1. Octavio paz

2 Gabriel Garcia Marquez

3. George luis borges

4. Carlos Fuentes

محکمی درباره‌ی ترجمه و ارتباط بین نویسنده / خواننده و مترجم دارند. برای آن‌که این تغییر اهمیت را تا حدی درک کنیم لازم است که دوباره به تاریخ ترجمه بیندیشم و بدانیم که چگونه در دوره‌ی آغازین استعمار از آن استفاده می‌شد.

ویسنته رافائل<sup>۱</sup> اهمیت متفاوتی را که ترجمه برای استعمارگران اسپانیایی و افراد قبیله‌ی تاگالوگ<sup>۲</sup> از کشور فیلیپین داشت، چنین توصیف می‌کند:

از نظر اسپانیایی‌ها، ترجمه همواره وسیله‌ای برای تقلیل زبان و فرهنگ بومی به اشیایی قابل دسترس برای نهادهای مذهبی و دخالت امپریالیستی بود. از نظر افراد قبیله‌ی تاگالوگ، ترجمه فرایندی بود که کم‌تر برای جذب سنن استعماری - مسیحی به کار می‌رفت، و بیش‌تر فرایندی برای فرار از سلطه‌ی همه جانبه‌ی آن‌ها از طریق آشکار ساختن مکرر تفاوت‌های بین زبان و علایق خود و اسپانیایی‌ها بود (رافائل ۱۹۸۸: ۲۱۳).

او معنای بسیار متفاوتی را که ترجمه برای گروه‌های مختلف در فرایند استعمار داشت، دقیقاً مشخص می‌کند. زیرا اکنون روشن است که استعمار و ترجمه هم‌دست بوده‌اند. اریک چی فیتز<sup>۳</sup> می‌گوید که ترجمه «فعالیت اصلی استعمار و امپریالیسم اروپایی در آمریکا» بود (چی فیتز ۱۹۹۱: ۱۰۴). تجاسوینی نیرانجانا<sup>۴</sup> حتی فراتر از این می‌رود و می‌گوید که ترجمه «در مناسبات نامتقارن قدرت که در لوای استعمار عمل می‌کند»، هم شکل می‌دهد و هم شکل می‌پذیرد (نیرانجانا ۱۹۹۲: ۲). تصویر لامالینش<sup>۵</sup>، زن

---

1. Vicente Rafael

2. tagalog

3. Eric chey fitz

4. Tejaswini niranjana

5. lamalinche

بومی آمریکایی که معشوقه‌ی فاتح اسپانیایی هرنان کورتز<sup>۱</sup> و هم‌چنین مترجم بین اسپانیایی‌ها و افراد قبیله‌ی آزتک<sup>۲</sup> بود، به‌عنوان تصویری عمل می‌کند که ما را به یاد استعاری مطرح استعمار می‌اندازد. یعنی استعاری تجاوز، شوهر دادن «سرزمین‌های بکر»، شخم زدن آن‌ها، بارور کردن آن‌ها و «متمدن» ساختن آن‌ها (هلم ۱۹۸۶). بنابراین، طبق گفته‌ی یکی از نویسندگان هندی در این دوره‌ی پسا - استعماری که امپراتوری شروع به واکنش کرده است، تعجبی نیست که دیدگاه‌هایی افراطی درباره‌ی ترجمه در هند، آمریکای لاتین، کانادا، ایرلند، و خلاصه، در همه‌ی مستعمرات قبلی سراسر دنیا مطرح شوند و معیارهای ریشه‌دار اروپاییان را در این مورد که ترجمه چیست و چه مفهومی دارد به چالش بکشند.

در این مقطع به موضوع آدم‌خواری برمی‌گردیم. مردم قبیله‌ی توپی‌نامبا گوشت کشیش‌شان را خوردند و در دهه‌ی ۱۹۲۰ گروهی از نویسندگان برزیلی در تلاش برای بازنگری ارتباطی که آن‌ها، به‌عنوان مردم آمریکای لاتین، با اروپا داشتند به این داستان اشاره کردند. زیرا اروپا «متن اصلی» بزرگ و نقطه‌ی آغاز تلقی می‌شد و از این رو مستعمرات رونوشت یا «ترجمه»ی اروپا بودند و قرار بود تکثیر شوند. علاوه بر این از آن‌جا که ترجمه‌ها رونوشت متن اصلی بودند آن‌ها را کم‌تر از متن اصلی می‌دیدند و بدین شکل افسانه‌ی ترجمه به‌عنوان چیزی که متن اصلی را تقلیل می‌دهد، شکل گرفت. هم‌چنین باید به خاطر داشت که مفهوم «نقصان» در بسیاری از نقدهای ترجمه به‌طور بسیار برجسته‌ای مطرح می‌شد. برای مثال رابرت فراست<sup>۳</sup> می‌گوید: «شعر آن چیزی است که در ترجمه تبخیر می‌شود.» تقریباً همه‌ی دانشجویان ترجمه با این گمان آغاز به کار می‌کنند که در

---

1. Hernan cortes

2. aztec

3. Robert Frost

ترجمه چیزی از دست می‌رود و متن اصلی بی‌ارزش و پست می‌شود. آن‌ها به این نکته که چنین فرایندی ممکن است سودمند نیز باشد، به ندرت توجه می‌کنند. اندیشه‌ای که مستعمره را رونوشت یا ترجمه‌ای از متن بزرگ اروپایی می‌داند، ناچار قضاوتی ارزشی را شامل می‌شود که ترجمه را در سلسله‌مراتب ادبی در جایگاه پایین‌تری نسبت به متن مبدأ قرار می‌دهد. بنابراین بر اساس این تعریف مستعمره از استعمارگر خود، یا متن اصلی خود، کم‌تر است.

پس چگونه مستعمراتی که حاصل استعمار بودند با این وضعیت دشوار مواجه می‌شدند؟ چگونه می‌توانستند، «بی‌آن‌که چشم خود را بر روی جنبه‌های با ارزشی که از اروپا گرفته شده ببندند، راهی برای بیان خود و فرهنگ خود بیابند، راهی برای انکار عنوان «رونوشت» یا «ترجمه»ی بیانیه‌ی آدم‌خواری<sup>۱</sup> اثر اسوالد دی آندراده<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۲۸ منتشر شد، یعنی ۳۷۴ سال بعد از مرگ پدر ساردین‌ها، کشیشی که آدم‌خواران او را خوردند. این اثر استعاره‌ی آدم‌خواری را به‌عنوان راه پیشرفت فرهنگ برزیل مطرح کرد. مستعمره‌ها تنها با بلعیدن اروپا می‌توانند از آن‌چه بر آنان تحمیل شده است، دوری کنند. درعین حال این بلعیدن می‌تواند هم تخطی از قوانین اروپایی و هم نوعی ادای احترام تلقی شود.

استعاره‌ی آدم‌خواری به کار رفته است تا به مترجمان نشان دهد که چگونه می‌توانند با متن برخورد کنند. مترجم بزرگ برزیلی هارولدودی کامپوس<sup>۳</sup>، که اثر او را الس ویرا<sup>۴</sup> به تفصیل بررسی می‌کند، می‌گوید که ترجمه را می‌توان با تزریق خون مقایسه کرد و در این مقایسه تأکید بر

---

1. Manifesto Antropofago

2. Oswald de Andrade

3. Haroldo de Campos

4. Else Vieira